

امام موسی صدر و وحدت اسلامی

محمد جواد اخگری^۱

چکیده:

از میان اندیشه‌های متعالی امام موسی صدر، مسئله وحدت اسلامی و تلاش وی در این راستا اهمیت بیشتری دارد، به طوری که می‌توان این مسئله را نقطه عطف سایر اندیشه‌های او به شمار آورد. اهمیت این مطلب زمانی بیشتر روشن می‌شود که اقدامات مؤثر و ارزشمند وی چون «نامه به مفتی اهل سنت لبنان» یا راه‌کار وی برای «وحدت فقهی» و یا تلاش‌های متعدد وی در عرصه داخلی لبنان که جهت مقابله با نزاع و کشمکش‌های داخلی و برقراری وحدت ملی بود، ارزیابی گردد. امام صدر با مطرح ساختن گفتمان مسلمین و مسیحیان، در راه وحدت و تفاهم میان ادیان گام برداشت. نتیجه این اقدامات و تلاش‌ها محبوبیتی روز افزون بود که او را نه تنها به عنوان رهبر مسلمین بلکه به عنوان رهبری برای تمام دین‌داران، به ویژه در لبنان، بدل ساخت.

مسئله فلسطین و مقاومت در برابر اسرائیل از مسائلی بود که امام صدر آن را به عنوان هدفی مشترک و میهنی نه تنها برای مسلمین بلکه برای تمامی دین‌داران مطرح ساخت و از این طریق نیز زمینه‌ساز وحدت بین مسلمین و دین‌داران گردید.

کلیدواژه‌ها: امام موسی صدر، وحدت اسلامی، وحدت فقهی، وحدت ادیان، اتحاد جوامع اسلامی، لبنان، فلسطین.

۱- امام موسی صدر نماد وحدت اسلامی و ملی

از جمله ویژگی‌های رهبران بزرگ جهان «فراقومی» و «فرامذهبی» بودن آنهاست؛ به این معنا که تعلق به یک قوم و قبیله و یا تعصب بر عقاید یک مذهب ندارند هر چند ممکن است به یک قوم و قبیله و یا مذهبی خاص منسوب باشند. طلایه‌داران تقریب و ممتازترین آنها، امام

۱- کارشناسی ارشد فلسفه.

موسی صدر جزء این افرادند. فعالیت امام موسی صدر و منش و سیره او که به ویژه در کوران حوادث لبنان به چشم می‌خورد تأییدکننده این مطلب است که «امام موسی صدر» نماد وحدت اسلامی است. «در صحنه سیاسی لبنان، اگر چه امام صدر، شیعیان را هم ردیف و بلکه مقدم بر طوایف دیگر مطرح نمود اما پیروان این طوایف هیچ گاه از این امر نرنجیدند. آنها امام صدر را سمبل وحدت ملی، چهره‌ای فراطیفه‌ای و رهبری امین می‌دانستند.» (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۶).

تلاش امام موسی صدر در راستای تقریب مذاهب اسلامی و به ویژه در لبنان و جهان عرب ایده اخیر را تقویت می‌کند. به علاوه، او نماد وحدت ملی نیز به شمار می‌آید. «وقتی امام موسی صدر در سال ۱۳۳۸ وارد لبنان شد در همان سال و در اولین فرصت شالوده روابط توستی با علمای اهل سنت را در شهر صور پی‌ریزی کرد، از جمله با محیی‌الدین حسن (مفتی اهل سنت) ارتباط مستمر برقرار نمود.» (اباذری، ۱۳۸۳، ص ۹۴). امام موسی صدر در جهت وحدت ملی تلاش‌های زیادی نموده است که عمده این تلاش‌ها در راستای جلوگیری از بروز فتنه داخلی در کشور لبنان در میان اقوام و مذاهب گوناگون بوده است. «از جمله تلاش‌های امام موسی صدر در جهت جلوگیری از فتنه داخلی لبنان و بروز مسائلی چون اختلاف شیعه و سنی، به تلاش وی جهت جلوگیری از آتش زدن منازل «آل محفوظ» باید اشاره کرد.

«آل محفوظ» از خانواده‌های اهل سنت شهر صور بودند و از دشمنان امام موسی صدر به شمار می‌آمدند که به ایشان تعرض و جسارت کرده و در صدد نابودی او بودند. در مقابل، امام صدر مانع از تعرض طرفداران خود به این خاندان گردید.» (ر.ک: کمالیان و رنجبر کرمانی، پیشین، صص ۶۲-۶۰).

این مورد و موارد بسیار مشابه آن نشان می‌دهد که امام موسی صدر به حق نماد و سمبل وحدت ملی در لبنان بود. در عین حال وی در جهت وحدت اسلامی در لبنان نیز اقداماتی نمود. «از جمله برنامه‌ها و خطوط کلی امام موسی صدر در «مجلس اعلای شیعیان لبنان» در جهت حفظ وحدت اسلامی در این کشور عبارت بودند از: ۱- اقدام اساسی جهت عدم تفرقه میان مسلمانان و سعی فراوان به منظور وصول به وحدت کامل؛ ۲- همکاری با همه طوایف مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت در کشور.» (اباذری، پیشین، ص ۹۵). به هر حال، این ویژگی‌ها از روح متعالی و نامحدود امام موسی صدر حکایت می‌کند. سید حسین موسوی - معروف به استاد ابوهاشم - می‌گوید: گروه‌های مختلف لبنانی امام صدر را انسانی قرآنی و طرفدار وحدت می‌شناختند (ر.ک: کمالیان و رنجبر کرمانی، پیشین، ص ۴۴) و در عین حال، رمز موفقیت امام صدر را در اهلیت وی از یک سو و همدلی و همراهی مردم با او از سوی دیگر می‌دانند. (پیشین، ص ۴۷).

۲- تلاش امام صدر در جهت تحقق آرمان وحدت اسلامی

«یکی از آرزوها و آرمان‌های دیرین امام موسی صدر، وحدت امت اسلامی در سرتاسر جهان بود. او از آغاز دوران جوانی که در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بود به این مهم می‌اندیشید و در محافل (و حضور اساتید) حوزه، آن را پیوسته دنبال می‌کرد.» (اباذری، پیشین، ص ۹۳).

ظاهراً وی می‌خواست ابتدا از طریق ایجاد وحدت اسلامی در لبنان، این آرزو را جامه عمل بپوشاند. در همین راستا «خط مشی اساسی امام موسی صدر و دورنمایی از فعالیت‌های وی در حوزه برقراری و تثبیت «وحدت اسلامی» بدین شرح است:

۱- جانب‌داری از اصل هم‌زیستی صلح‌آمیز فرقه‌های مذهبی و طایفی چندگانه کشور لبنان و مبارزه با تلاش مذبحخانه در جهت تجزیه کشور؛

۲- تلاش برای رفع هر گونه اختلاف و کوشش به خاطر تحقق اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛

۳- مردود شمردن هر گونه تعصبات فرقه‌ای، مذهبی و دوری از جنگ و ستیز فرقه‌گرایانه.» (رک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۸۶-۸۵). موارد یاد شده نشانه‌ای از آرمان بلند امام موسی صدر جهت وحدت امت اسلامی در سرتاسر جهان است که اگر تحقق کامل می‌یافت و تمامی مسلمانان به ویژه عالمان و متفکران اسلامی در جهت تحقق آن تلاش می‌کردند، امروزه نه تنها در لبنان، بلکه در سایر بلاد اسلامی شاهد شکل‌گیری این امت واحده بودیم.

۳- تلاش امام صدر در جهت تفاهم و نزدیکی شیعه و سنی

اغراق نیست اگر گفته شود تمام دوران حیات علمی امام موسی صدر به طور مستقیم یا غیر مستقیم وقف نزدیکی میان مذاهب گوناگون به خصوص شیعه و سنی شده است. وی هیچ‌گاه میان شیعه یا سنی و حتی دیگر مذاهب تبعیض قائل نبود و نهایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط را در برخورد با آنها به کار می‌بست. به همین خاطر است که «نه تنها شیعیان بلکه مسیحیان و اهل سنت نیز امام موسی صدر را شخصیتی یافتند که برای زدودن غبار محرومیت از تمامی مردم تلاش می‌کند. در جریان ملاقات با قذافی برای مطالبه امام موسی صدر، علاوه بر شیعیان، برخی چهره‌های اهل سنت مانند شیخ احمد الزین و برخی مسیحیان نیز حضور داشتند.» (کمالیان و رنجبر کرمانی، پیشین، ص ۲۷۷-۲۷۶). امام موسی صدر در جهت نزدیکی شیعه و سنی، با جهان عرب نیز ارتباط داشت. «نفوذ فوق‌العاده امام صدر در جهان عرب در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۵ و در کوربان جنگ داخلی لبنان آشکار گردید.» (پیشین، ص ۱۶).

امام موسی صدر برای ایجاد یگانگی میان مسلمانان جهان و ابتدا میان مسلمانان لبنان طی نامه‌ای به «حسن خالد» مفتی بزرگ لبنان خواستار اقدام عملی در این مورد شد. یکی از موارد مهم مد نظر امام موسی صدر مسئله «وحدت فقهی» است که از راه کارهای عملی وحدت اسلامی

به شمار می‌رود و در مباحث بعد به تفصیل به این موضوع و نیز نامه وی به این نامه و نیز به موضوع اخیر خواهیم پرداخت.

امام موسی صدر معتقد بود هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست و این دو مذهب را برآمده از دینی واحد برمی‌شمرد. وی با این تفکر به فعالیت‌های وحدت‌آفرین خود در لبنان عمق بخشید. در همین راستا سفرهای گوناگونی به کشورهای مختلف جهان داشت. در تابستان ۱۳۴۲ ش، طی مسافرت دو ماهه به کشورهای شمال آفریقا، در یک اقدام و ابتکار تاریخی توانست ارتباط مستمر و کارآمدی را میان مراکز اسلامی کشورهای مصر، مغرب و الجزایر با حوزه‌های علمیه و مراکز مذهبی نسخه در لبنان برقرار سازد. (ابادری، پیشین، ص ۹۵-۹۶). به علاوه، امام موسی صدر در بیشتر مساجد جهان سمینارها و مقالات خود، از مسئله اساسی اتحاد مسلمانان سخن گفته است. (در کتاب علمی اردیبهشت ۱۳۵۸، ص ۵۲-۵۹).

درباره نفوذ امام صدر در جهان عرب باید گفت: «حضور امام صدر در جهان عرب منحصر به میداین سیاسی نبود! یکی از مهم‌ترین و بلکه اولین این صحنه‌ها، عرصه فکر و اندیشه بود. متحدان اصلی امام صدر در جهان عرب، علما و اندیشمندان اهل سنت بودند. ارتباط تنگاتنگ امام صدر با این بزرگان از همان بدو ورود به لبنان آغاز گردید. امام صدر در محافل متعددی با بزرگان عرب نشست و برخاست داشت که یکی از عمده‌ترین این محافل، کنفرانس‌های اسلامی جهان عرب بود. امام صدر در قریب به اتفاق این کنفرانس‌ها خصوصاً کنفرانس‌های سالانه «الفکر الاسلامی» در الجزایر و «مجمع البحوث الاسلامیه» در مصر، حضوری فعال و سازنده داشت. به طور قطع سخنرانی فاضلانه این بزرگوار تحت عنوان «روح الشریعه الاسلامیه» که در تیر سال ۱۳۵۲ در الجزایر ایراد گردید به انضمام مباحثاتی که متعاقب آن با بزرگان اهل سنت جهان اسلام به عمل آوردند یکی از زیباترین و مستوفی‌ترین و در عین حال صریح‌ترین نمونه‌های گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی به شمار می‌رود.» (کمانیان و رنجبر کرمانی، پیشین، ص ۱۶۱۷).

نگرش خاص و متعالی امام موسی صدر درباره اهل سنت، به مذاهب اسلامی نیز سرایت کرد تا جایی که وی را یکی از بزرگ‌ترین «طالایه‌داران تقریب» به شمار آوردند. امام صدر با احترام قائل بودن نسبت به خلفای راشدین و ائمه اهل سنت، در مباحث اختلافی به طور دائم به منافع اهل سنت ارجاع می‌داد و در عین حال از حقانیت امام شیخ در جانشینی پیامبر ﷺ دفاع می‌کرد. (ر.ک: صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶-۲۳۷). امام صدر فاصله بین شیعه و اهل سنت را مانند فاصله بین مذهب فقه ابوحنیفه و مذهب فقه مالکی و شافعی دانسته (پیشین، ص ۲۳۳-۲۳۴) و موضع او در برابر اندیشه عالی شیعی موضع تمام مسلمانان است. (پیشین، ص ۲۳۷-۲۳۸).

امام موسی صدر در پاسخ به این سؤال که «وظیفه خودتان را در مقام رهبر شیعیان لبنان به ویژه در گذر از شکاف موجود بین شیعه و سنی چگونه ارزیابی می‌کنید؟» از توانایی‌ها، مهارت‌ها و امکانات شیعیان و این که آنها در برعهده‌ای طولانی از سایر برادران مسلمان طرد

شده‌اند، یاد کرده و در ادامه چنین می‌گوید: «این منزوی ساختن آنها به نفع مسلمانان نخواهد بود، بلکه باعث می‌شود در شرایطی که نیازمند به تمام توان خویش هستند، دچار ضعف و تزلزل گردند.» (پیشین، ص ۲۴۳). امام موسی صدر محروم بودن جهان اسلام از اندیشه متعادل و به دور از افراط و تفریط شیعی را یک ضعف به شمار آورده و یکی از دلایل تلاش برای وحدت اسلامی را رفع این ضعف جهان اسلام می‌داند. وی در این باره چنین می‌گوید: «تلاش من بر این است که از طریق روشن ساختن آرا و افکار ایشان [شیعیان] و تبیین دیدگاه‌های آنها دو امر را بر تمام مسلمانان عالم مورد تأکید قرار دهم: اول این که هیچ دلیلی برای این طرد کردن و منزوی ساختن نیست و دوم این که شیعیان، مسلمانانی شایسته‌اند و اسلام با گذشت و سعه صدر تفاوت‌های میان شیعیان و برادرانشان را تحمل می‌کند. هم‌چنان که در مورد اختلافات بین سایر مذاهب نیز این طور است.» (پیشین، ص ۲۴۴-۲۴۳).

امام موسی صدر تأکید زیادی داشت بر این که مسئله جانشینی پس از پیامبر ﷺ یک بحث فکری است و این بحث نباید مانع ارتباط و هم‌بستگی گردد. (ر.ک: پیشین، ص ۲۵۲). به علاوه، وی اتحاد میان مذاهب را در حوزه منابع احکام چون قرآن، سنت، اجماع و قیاس امری ممکن دانسته و اعتماد اهل سنت به بعضی ائمه‌علیه‌السلام مانند امام علی و امام حسن و امام حسین به عنوان امام و صحابه و به بعضی دیگر مانند امام باقر به عنوان تابعین و اعتماد شیعه به برخی صحابه به سبب وجود نصّ را عاملی بسیار مهم و حیاتی در باب تحقق اتحاد و کاهش اختلاف بین مذاهب به شمار می‌آورد. (ر.ک: پیشین، ص ۲۵۵-۲۵۴).

امام موسی صدر در مصاحبه خود با روزنامه «النهار» در پاسخ به این سؤال که: «از نظر عقیدتی چه وجه تمایزی میان شیعه و سنی وجود دارد؟» اختلاف اساسی میان شیعه و غیر شیعه را در دو مسئله «ولایت» و «منابع شرعی» دانسته و در مورد هر کدام چنین می‌گوید: «ولایت: حقیقت مسئله ولایت عبارت است از ایجاد جامعه‌ای صالح از راه تشکیل حکومتی صالح. علی‌علیه‌السلام برترین این مصداق‌ها بود. در نظرگاه شیعه مسئله «ولایت» از مهم‌ترین احکام شرعی است... منابع شرعی: در نظرگاه شیعه پس از نصوص قرآنی و سنت نبوی، سنت اهل بیت و روایات و تعلیمات آنان منبع و مصدر شرعی به شمار می‌آید، اما مذاهب دیگر، غیر از قرآن و سنت پیامبر ﷺ، آرای صحابه پیامبر ﷺ را از منابع شرعی به حساب می‌آورند. در این جاست که با تفاوت‌های بسیاری در احکام و تعالیم دینی روبه‌رو می‌شویم اما تمام این تفاوت‌ها و حتی اصل اجتهاد در دایره فروع محدود می‌شود و موجب تفاوت و فرق در اساس و ارکان اسلامی نمی‌گردد.» (پیشین، ص ۲۲۱-۲۲۰). هم‌چنین امام صدر در پاسخ سؤالی درباره «تلاش‌هایی که در راستای یکی کردن فرقه‌ها و مذاهب مختلف» صورت گرفته، از «رسالت تقریب» نامبرده و می‌گوید: «... درباره تقریب مسلمانان فرقه‌های مختلف باید عرض کنم که از سی سال پیش | از زمان این مصاحبه | در قاهره تلاش‌های عمیق و گسترده‌ای در این باره از طریق «تقریب میان

مذاهب اسلامی» و مؤسسات مانند آن آغاز شده است. به اعتقاد من این گونه تلاش‌های گسترده، مشکل مذکور را حل می‌کند یا آن را به صورت اساسی کاهش می‌دهد.» (پیشین، ص ۲۲۲).
 امام موسی صدر، مسئله ولایت را عاملی برای تحکیم وحدت مسلمانان به شمار می‌آورد، زیرا ولایت زمینه‌ساز حکومت صالح میان مسلمانان می‌باشد و از این رو اولین واجب آنهاست. در خلال این بیان است که امام صدر، سخن گفتن از جانشینی پیامبر را بحثی بیهوده دانسته و سعی در حل مشکلات کنونی جهان اسلام دارد. وی به این مطلب این‌گونه اشاره می‌کند: «... شیوه‌های جست‌وجو و انتخاب زمامدار در زمان کنونی، به دلیل اختلاف شرایط زمانی، با شیوه‌هایی که در اوایل دوران خلفای راشدین و پس از رحلت حضرت رسول ﷺ وجود داشته است، تفاوت دارد.

از سوی دیگر، تاریخ بر اساس ترتیب مشهور و ظاهری خلفای راشدین که علی بن ابیطالب علیه‌السلام را آخرین نفر از چهار خلیفه می‌داند، رقم خورده است. اما بحث و گفت‌وگو درباره درستی آن چه اتفاق افتاده سودی ندارد. بنابراین، باید تمام اهتمام و توجه خود را به زمان حال معطوف کنیم. اکنون بحث از ولایت، از این رو که برای برپایی حکومت صالح تلاش کرد، اولین واجب مسلمانان است.» (پیشین، ص ۲۷۲). این بیان امام صدر رحمه‌الله از اعتقاد وی به مسئله «ولایت فقیه» و ضرورت آن پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی حکایت دارد. به علاوه، همان‌طور که امام صدر «ولایت» را مقدمه و مبنای تشکیل حکومت صالح اسلامی می‌داند، دیدگاه شیعه درباره عدل و امامت را از مؤلفه‌های نزدیکی مسلمانان به شمار می‌آورد. (ر.ک: پیشین).

وی اتهام دیرینه به تشیع درباره بدگویی نسبت به ساخت برخی از صحابه را به هیچ وجه وارد ندانسته و آن را بر خلاف سیره امام علی علیه‌السلام و سایر امامان معصوم علیهم‌السلام می‌داند. (ر.ک: پیشین، ص ۲۷۳).

«امام موسی صدر همانند همه مصلحان بزرگ اسلامی، اولین مشکل اسلام را تفرقه تشخیص داد و در صدد رفع این نقیصه برآمد و در اولین اقدام ضمن شرکت در کنفرانس‌های جهانی و ایراد سخنرانی و مصاحبه با مجلات اروپایی به تبیین نظریات صحیح اعتقادی شیعه در اصول و فروع پرداخت و دست مودت و وحدت را به سوی برادران اهل تسنن دراز کرد.» (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۵۵).

از اقدامات دیگر امام موسی صدر باید به «تشکیل مجلس اعلی» برای شیعیان اشاره کرد که تشکیل آن نه تنها به نفع شیعه بلکه به نفع کل کشور لبنان بود. «امام موسی صدر در راستای تأسیس مجلس اعلی شیعه که با مخالفت بزرگان اهل سنت به ویژه «صائب سلام» نخست وزیر وقت روبه‌رو شده بود از چنان منطوق قوی استفاده نمود که توانست همه را راضی کرده و

حتی رئیس مجلس اعلای اهل تسنن هم در مقابل منطبق امام تسلیم گردید.» (کمالیان و رنجیر کرمانی- پیشین، ص ۱۴۱). همچنین حضور امام موسی صدر در محافل و مدارس اهل سنت از جمله تلاش‌های وی جهت ارتباط با آنان و در نتیجه، تحکیم وحدت بین مسلمین بود. در این باره می‌توان به تدریس امام موسی صدر در دبیرستانی به نام «کلیه عاملیه» که به خانواده «آل بیضون» تعلق داشته و تعداد زیادی از جوانان اهل سنت در آن درس می‌خواندند، اشاره نمود. (ر.ک: پیشین، ص ۱۴۰).

همچنین در جریان شهادت «معروف سعد» در شهر صیدا امام موسی صدر با حضور در نماز جمعه، امامت نماز را پذیرفته و بعد از نماز به منبر رفته و خطبه معروف جمعه را در جمعی که علمای سنی حضور داشتند ادا نمود. (ر.ک: حجتی کرمانی، ۱۳۶۴، ص ۱۴۳). از این قبیل اقدامات در سیره امام صدر بسیار به چشم می‌خورد.

«امام موسی صدر توانست دیگر بزرگان جهان عرب و اندیشمندان اهل سنت را با خود همراه کند و با آنان ارتباطی تنگاتنگ برقرار سازد. برجستگانی چون محی‌الدین حسن، شیخ شفیق یموت، شیخ محمد سلیم جلال‌الدین و شیخ احمد الزین در داخل لبنان و بزرگانی چون شیخ محمد الغزالی، شیخ محمد ابو زهره، شیخ محمد عبدالرحمن بیصار، شیخ حبيب المتساوی و دکتر محمد محمد الفخام در خارج از لبنان از دوستان و متحدین او به شمار می‌رفتند...» (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۵۸). در نتیجه چنین اندیشه متعالی و در راستای چنین اقدامات ارزشمندی است که امام صدر به حمایت از تأسیس «مجمع تقریب مذاهب اسلامی» در قاهره سخن گفته و کار این مجمع را در جهت شناساندن مسلمانان به یک‌دیگر از طریق مجله «رساله الاسلام» و تلاش آن برای یک‌پارچه سازی سنت و تحقیق در فقه تطبیقی، می‌ستاید. (ر.ک: صدر، پیشین، ص ۲۸۴).

اهمیت تلاش‌های امام صدر جهت ایجاد وحدت بین مسلمین آن‌جا بیشتر آشکار می‌شود که به اسنادی که جهت مخدوش نمودن این تلاش‌ها تدارک دیده شده، دست یابیم. در مجموعه «یاران امام به روایت اسناد ساواک» و کتاب هفدهم آن که به «امام موسی صدر» اختصاص یافته است، طی سندی که موضوع آن «بررسی اعزام آیت‌الله محمدتقی قمی» به لبنان است (ر.ک: ج ۲، ص ۳۷-۳۵) سعی شده تا اعزام این شخصیت بزرگ تقریب به لبنان در جهت رقابت با امام موسی صدر و حتی کم کردن شهرت وی باشد. مطالبی را که این سند ساواک جهت تخریب یا ترور شخصیت امام موسی صدر به کار برده به این ترتیب است: ۱- امام صدر به مانند محمدتقی قمی توانایی ایجاد تقریب و نزدیکی بین مذاهب مختلف اسلامی را ندارد؛ ۲- تشکیل مجلس اعلای شیعه در لبنان به عنوان یک تشکیلات در مقابل سنی‌ها صورت گرفته و این اقدام موسی صدر از عهده کسی چون «علامه قمی» که از بزرگان اندیشه تقریب است ساخته نیست؛ ۳- آمدن «علامه محمدتقی قمی» تا حد زیادی از نفوذ امام موسی صدر در لبنان خواهد کاست؛ ۴- با آمدن

«علامه قمی» مشکل جلوگیری از اتحاد شیعه و سنی که توسط موسی صدر و با برقراری تشکیلات در لبنان به وجود آمده است رفع خواهد شد. (ر.ک: پیشین، ص ۳۶).

اندکی تأمل در نکات یاد شده به علاوه مطالبی که در بحث اخیر پیرامون تلاش‌های امام صدر جهت حفظ و تحکیم وحدت بین مسلمین و حمایت از اندیشه تقریب و نیز هدف وی از تأسیس مجلس اعلای شیعیان و اقدامات او در لبنان بیان شد، حقیقت را بر خواننده آشکار می‌سازد و پرده از خبث و پلیدی و نفاق عوامل استبداد و استکبار بر خواهد داشت. هم‌چنین این سند گواهی بر تلاش‌های دشمنان جهت نابودی اسلام از طریق ایجاد رقابت میان علما با برانگیختن آتش حسد میان آنها و شاهدهی بر اتهامات وارده به علمای اسلامی در طول تاریخ در جهت کاستن محبوبیت و نفوذ آنها در میان مردم است.

نتیجه بحث پیرامون تلاش امام صدر در راستای وحدت مسلمین و تفاهم میان شیعه و سنی و یا مسلمان و غیرمسلمان، تأییدکنندهٔ این تلاش و اقدام و نشان‌دهندهٔ وسعت دید و عمق فکری اوست، همان‌گونه که در نامهٔ پرمحتوای وی به مفتی بزرگ لبنان و بیان رمز و فلسفه اختلاف در مذاهب و ادیان، این واقعیت بیش از پیش آشکار خواهد گردید.

۴- اتحاد، مانع از هم‌گسیختگی جوامع

از جمله ویژگی‌های امام موسی صدر در جهت ایجاد اتحاد و تفاهم در میان مردم و مسئولین و یا اصطلاحاً طبقه عوام و طبقه خواص، رفع اختلاف در جامعه از راه‌های مختلف و از جمله با بیان رمز و فلسفه اختلاف میان مذاهب بود. امام صدر با پی بردن به این حقیقت که اتحاد عاملی در جهت جلوگیری از گسیختگی جوامع و در نتیجه رشد و تکامل آنها است سعی در حل اختلافات داشت. «او با دید عمیق و عرفانی خود، جهان‌آفرینش را بسان یک سلسله حلقه‌های به هم پیوسته می‌دانست که وجود هر کدام به بقای آن دیگری بستگی دارد. به همین خاطر نیز در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی خود، همواره از مظاهر هر چند کوچک اختلاف و پراکندگی گریزان بود و در فرصت‌های مناسب با همه آنها به مبارزه برمی‌خاست و ندای توحید سر می‌داد.» (ابادری، پیشین، ص ۲۸۲).

امام موسی صدر با اشاره به نظر برخی صاحب‌نظران که علت عقب‌ماندگی مسلمانان را در سه محور «کسالت و تنبلی، دروغ‌گویی و استعمارزدگی» می‌دانند، سرمنشأ این سه محور را در «عدم وجود یک جامعه و تشکیلات منسجم جهت هدایت و تربیت صحیح آنها» می‌داند. (ر.ک: پیشین، ص ۲۷۰-۲۶۹). این مطلب تأییدکنندهٔ دیدگاه خاص امام صدر دربارهٔ علت عقب‌ماندگی شیعیان لبنان است. از نظر وی یکی از مظاهر عقب‌افتادگی معنوی شیعیان لبنان، «نداشتن اعتماد به نفس برای بالندگی و فقدان وحدت و اتحاد» است. (ر.ک: صدر، پیشین، ص ۳۱۱). امام موسی صدر در پایان سخنرانی خود پیرامون «اسلام و فرهنگ قرن بیستم»، «صلح» را که از طریق فرهنگ

اسلامی قابل تحقق است مشکل قرن بیستم دانسته است. وی درباره «رمز اختلافات و تفاوت‌ها» چنین می‌گوید: «اختلافات نژادی و تفاوت‌هایی که در آرا و افکار مجتمع جهانی ملاحظه می‌شود، نه تنها نمی‌تواند در راه تحقق صلح جهانی مانعی باشد، بلکه خود کمال و جمال فطری به جامعه می‌بخشد و شناخت و همکاری و تکامل و وحدت را تسهیل می‌کند. این تفاوت‌ها و به تعبیری، این تنوع در جسم انسان با همه خصوصیاتش و در چهره‌ای که اسلام از آفرینش به آن بخشیده، تجلی کرده است.» (پیشین، ص ۱۳۲).

بنابراین از نظر امام صدر، اختلافات رمز و فلسفه خاصی داشته و نه تنها عامل تکامل جوامع اسلامی به شمار می‌رود، بلکه مطابق حدیث مشهور «اختلاف علماء اُمّتی رحمه»، خود یکی از جلوه‌های رحمت الهی به ویژه در جوامع اسلامی است. بر اساس این، امام موسی صدر معتقد است «تفاوت بین مذاهب و اختلاف آنها باعث پیشرفت تفکر اسلام است و هر مسلمانی در ضمن این اختلاف، می‌تواند حرکت کند.» (پیشین، ص ۲۴۴). بر اساس چنین نگرشی است که وی گفتمان شیعه و سنی را گفتمانی مقدس و در راستای برطرف ساختن ابهام‌ها و رد همه اتهام‌ها در مواضع مربوط به این دو مذهب دانسته است. (ر.ک: پیشین). زیرا از نظر وی «فرصت‌طلبان روی اختلافات جزئی دست گذاشتند و آنها را به موانع جدا کننده تبدیل کردند، در نتیجه، هر گروه به دور از گروه دیگر زندگی می‌کند، که باعث رواج حس عدم اعتماد و رد همکاری و همیاری شد. این امر به مذاهب ابعادی بیش از حد واقعیشان داد. به جای این که مذهب، یک وسیله به حساب آید، خود، یک هدف تلقی شد. هیچ شکی نیست که اسلام، این را نمی‌پسندد و مسلمانان را یک امت واحد می‌داند... اما این اختلافات به دنبال رفت‌وآمدها و شناخت از هم و آزاداندیشی و همکاری برای وحدت در حال از بین رفتن‌اند.» (پیشین، ص ۲۵۳).

امام موسی صدر بین شیعه و دیگر فرقه‌های مسلمان، کم‌ترین اختلاف اساسی که مانع تفاهم و گفت‌وگو میان آنها شود، نمی‌بیند. (ر.ک: پیشین، ص ۲۷۲) و بنابراین اختلاف میان مذاهب را تا آن‌جا منطقی می‌داند که سبب رشد و تکامل اسلام شود و الا اگر سبب دور شدن مسلمین و جوامع آنها از یک‌دیگر شده و عاملی برای بروز اختلافات، نزاع‌ها و کینه‌توزی‌ها و... گردد، به هیچ وجه پذیرفته نیست.

امام صدر در عرصه داخلی لبنان نیز از هیچ کوششی جهت خاموش کردن آتش فتنه و آشوب و رفع اختلافات دریغ نمی‌ورزید. او در برابر فتنه‌های صورت گرفته در لبنان که همواره در جهت اختلاف‌افکنی میان فرق، مذاهب، احزاب و گروه‌ها بود، ایستادگی می‌کرد. (ر.ک: ابازری، پیشین، ص ۶۶-۵۱). به هر حال، با توجه به ویژگی کشور لبنان و وجود مذاهب و احزاب گوناگون در آن، این اختلافات تا حد زیادی بدیهی جلوه می‌کند، اما وقتی به کشمکش داخلی تبدیل شده و سبب ایجاد فتنه و آشوب می‌شود، باید در نطفه خفه گردد و الا درگیری‌ها و اختلافات اساسی‌تر را در پی خواهد داشت. «امام صدر از تلاش حزب مارونی که یکی از احزاب مسیحی لبنان است،

جهت دور کردن شیعیان از اهل سنت و همراه کردن آنان با خود، مطلع بود. اما امام ضمن حفظ اصالت اسلامی خود و وفاداری به امت اسلامی به هیچ وجه علیه مصالح مسلمانان قدمی بر نداشت و پیشنهادات علنی و پنهانی مارونی‌ها را رد کرد و در این راه یک بحران سخت سیاسی را تحمل کرد...» (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۳۵).

۵- بررسی نامه امام موسی صدر به مفتی اهل سنت لبنان

امام موسی صدر در نامه تاریخی و کم‌نظیری که به شیخ حسن خالد مفتی وقت لبنان نوشت، ضمن طرح نکات ظریف و دقیق درباره وحدت بین مذاهب، خواستار اقدام عملی و جدی در این امر مهم و سرنوشت‌ساز شد. وی در این نامه ضمن برشمردن دلایل نیاز به وحدت میان مسلمین، آن را در راه ساختن آینده و تاریخ مسلمین و داشتن اعتماد به نفس در انجام مسئولیت‌ها ضروری دانست. در این نامه، وحدت کلمه عاملی دانسته شده که موجودیت و شرف مسلمین و نسل‌های آینده آنها به آن بستگی دارد. وی وحدت کلمه را نه به صورت شعار یا سخن مکتوب، بلکه تابشی از فکر و تهی‌دنی از دل و راهی برای رفتن می‌داند که جز با تلاش فکری زیاد و اهتمام ویژه برخاسته از درون و تلاش و شب‌زنده‌داری، میسر نخواهد شد.» (ر.ک: اباذری، پیشین، ص ۹۷-۹۵). آن‌چه که از فحوای این نامه بسیار مهم برمی‌آید دو راه‌کار اساسی امام صدر در جهت وحدت مسلمین می‌باشد. امام موسی صدر معتقد است ایجاد وحدت کلمه در میان مسلمین و میان عقول و قلوبشان و به تعبیری دقیق‌تر، عمق بخشیدن به وحدت مسلمانان و قرار دادن آن بر پایه‌های فکری و عاطفی استوار، از دو راه تحقق می‌یابد: ۱- یکی کردن فقه؛ ۲- کوشش‌های مشترک. (ر.ک: پیشین، صص ۱۰۳-۹۷).

مراد از یکی کردن فقه مذاهب اسلامی، همان وحدت رویه فقهی است که پس از این به تفصیل از آن بحث خواهد شد. اما منظور امام از کوشش‌های مشترک، همان «بسیج نیروهای مشترک در جهت تحقق هدف‌های گوناگون» است، که نتیجه آن «ایجاد حس اعتماد» و «آرامش دل‌ها» خواهد بود. وی پاره‌ای از این اهداف را در قالب «هدف‌های شرعی»، «هدف‌های اجتماعی» و «هدف‌های میهنی» دسته‌بندی نموده و در مورد هدف‌های شرعی خواستار یکی کردن اعیاد و شعایر دینی و تشکیل پاره‌ای از عبادات چون «اذان»، «نماز جماعت» و... است. امام صدر از یک عید و یک روز تعطیل معین حمایت می‌کند و به علاوه خواهان «شکلی از اذان است که مورد قبول همگان باشد».

وی در بعد هدف‌های اجتماعی، تلاش‌های مشترک در جهت مبارزه با بی‌سواری، بی‌خانمانی، سرپرستی ایتمام و بالا بردن سطح زندگی زحمت‌کشان را متذکر شده و تأسیس مؤسساتی در این راستا و یا رسیدگی به مؤسسات موجود را مطرح می‌سازد. اما در بعد هدف‌های میهنی، وی با طرح این سؤال که «آیا در وحدت احساسات میهنی ما شکی وجود دارد؟» به هدف‌های مشترک مردم

لبنان که هدف‌های مشترک مسلمانان است اشاره نموده و ضمن طرح مسئله «حمایت از فلسطین و حراست از جنوب و سراسر لبنان» در نهایت بر روی «ماه رمضان به عنوان یکی از عوامل وحدت مسلمین از طریق زنده کردن خاطرات تاریخی جاودانه مسلمین» انگشت می‌گذارد. (ر.ک: پیشین).

۶- وحدت فقهی

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، امام صدر، «وحدت فقهی» یا «یکی کردن فقه» را از اساسی‌ترین و حساس‌ترین مؤلفه‌های عملی وحدت بین مسلمین به شمار می‌آورد. بر همین مبناست که وی در عین حالی که برای همه مراجع، عالمان و مجتهدان احترام خاصی قائل بود و آنان را استوانه‌های محکم و شکست‌ناپذیر اسلام و تشیع می‌پنداشت، ولی در مقام فتوا و قبول مرجعیت بر این اعتقاد بود که باید یکی از آن بزرگان مسئولیت و سنگینی این پست حساس را به دوش بکشد و بقیه نیز پشتیبان او باشند. او تعدد این مقام بزرگ را در پیشامدها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی به طور طبیعی باعث اختلاف و چنددستگی توده‌های انبوه و به هم فشرده مردم می‌دانست. (اباذری، پیشین، ص ۲۸۳).

بنابراین از نظر امام صدر همان‌طور که فقه مسلمین باید واحد باشد مرجع و مفتی مسلمین نیز باید تنها یک نفر باشد. امام موسی صدر در هر فرصت و محفلی که با فقها و اندیشمندان مذاهب اسلامی دیدار و نشست علمی داشت موضوع «وحدت بین مذاهب» را مطرح نموده و به توضیح و تشریح «وحدت فقهی» می‌پرداخت. (ر.ک: اباذری، پیشین، ص ۱۰۶-۱۰۷).

نظریه وحدت فقهی بر اساس نحوه نگرش خاص امام صدر در مورد روابط شیعه و سنی است، زیرا در میان شخصیت‌های برجسته اسلامی درباره وحدت بین پیروان مذاهب در مرحله اول دو نظریه مثبت و منفی وجود دارد، که طرفداران نظریه منفی معتقدند هیچ نقطه مشترکی میان شیعه و سنی وجود ندارد و بنابراین هیچ دلیلی برای وحدت وجود ندارد. اما طرفداران نظریه مثبت، از نظر چگونگی و کیفیت آن با هم‌دیگر اختلاف داشته و به چند گروه مختلف تقسیم می‌شوند: گروه اول معتقدند این موضوع هیچ ربطی به وحدت خود مذاهب ندارد و هر کدام از این مذاهب باید اصول و فروع خود را حفظ کند و تنها پیروان مذاهب هستند که باید در عین حفظ اصول و فروع مذهب خویش، با پیروان مذاهب دیگر متحد شوند. عمل عاقلی این نظریه از دیدگاه امام موسی صدر لازم است ولی هرگز کافی نمی‌باشد...

گروه دیگر معتقدند تمام مذاهب اسلامی موظف‌اند ضمن صیانت از هویت مذهبی خویش، تنها به نقاط مشترک میان مذاهب اهتمام بورزند... این نظریه نیز با همه اهمیتی که دارد، بیشتر در میان علما و اندیشمندان و محافل علمی بروز و ظهور داشته و در میان توده میلیونی مردم چندان کارایی نداشته است. گروه سوم که به احتمال قوی طلایه‌دار آن امام موسی صدر می‌باشد،

ضمن احترام به صاحبان و پیروان نظریه‌های پیشین، عمل طبق آن نظریه‌ها را لازم و ناکافی دانسته است و از این رو نظریه «وحدت فقهی» را مطرح می‌نماید. بنابراین امام صدر بر روی جزئیات شرع اسلامی و یکی کردن آنها نیز دست گذاشته و معتقد است: «برج اسلامی که در پایه و اساس واحد است و امت اسلامی در عقیده، کتاب و مبدأ و معاد و منتهی یکی است، نیاز به این دارد که در جزئیات هم یکی باشد.» (پیشین، ص ۱۰۴-۱۰۶).

امام موسی صدر در نامه خود به مفتی اهل سنت لبنان یکی از راه‌های عمق بخشیدن به وحدت مسلمانان و قرار دادن آن بر پایه‌های فکری و عاطفی استوار را «وحدت فقهی» برشمرده و با نام «یکی کردن فقه» آن را مطرح می‌سازد. امام صدر معتقد است در فقه علاوه بر کلیات، چون کتاب آسمانی، قبله، عقیده و... در جزئیات نیز به وحدت نیاز است. وی پیشینه این کار را در روش «وحدت فقهی» حاصل از «فقه تطبیقی» می‌داند که توسط شیخ طوسی در کتاب «الخلافت» و علامه حلی در کتاب «التذکره» انجام شد. به علاوه، امام صدر در ضمن بیان همین راه‌کار و در خلال حمایت از مرکز «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره و شخصیت‌های بزرگ مؤسس و یا حامی این مرکز چون علامه طباطبایی (رحمه‌الله)، فعالیت این مرکز را کوشش در راستای یکی کردن سنت پاک پیامبر ﷺ دانسته و آن را در جهت تحقق آرمان «وحدت فقهی» می‌ستاید. هم‌چنین وی در راستای تحقق این آرمان و خواسته بلند خود، نوشتن یک دایره‌المعارف فقهی را پیشنهاد می‌دهد. (ر.ک: پیشین، ص ۹۸-۱۰۰) «البته منظور امام موسی صدر از وحدت فقهی این نبود که هیچ اختلاف نظری در میان فقهای مذاهب وجود نداشته باشد و همه، در احکام و مسائل یک فتوای مشترک داشته باشند، بلکه وی اعتقاد داشت این اختلاف، منشأ سیر تکاملی فقه و پویایی اجتهاد و تحرک مجتهد خواهد شد. او می‌گفت: مادامی که این اختلاف بینش‌ها به عنوان یک نظریه علمی و در مرحله تئوری مطرح است، همواره مایه خیر و برکت و رشد و شکوفایی و بالندگی خواهد شد، اما وقتی تبدیل به فتوا برای عمل و یا شعار دینی در جامعه شد، ناخودآگاه پراکندگی فتوا و شعار، منجر به پراکندگی پیروان آن فتوا و شعار خواهد شد، بنابراین باید همه این نظریه‌ها به یک فتوا و شعار واحد منتهی بشود تا سبب اختلاف، چنددستگی و پراکندگی امت اسلامی نشود. امام به عنوان نمونه - همان‌طور که قبلاً هم به برخی موارد اشاره شد - مناسک حج، اعیاد اسلامی، حلول ماه رمضان و شوال را مثال می‌زد.» (پیشین، ص ۱۰۷-۱۰۸).

از مطالب این بخش به دست می‌آید که از نظر امام موسی صدر «وحدت فقهی» برترین عامل و مهم‌ترین راه‌کار تحقق وحدت میان مسلمانان است.

۷- در راه وحدت ادیان

«امام موسی صدر علاوه بر اتحاد میان مسلمانان، در مورد پیروان ادیان دیگر نیز به وحدت و همکاری معتقد بود و در راه رسیدن به این هدف ارزشمند از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید و تا حد ایثار و شهادت در این راه مقدس قدم برمی‌داشت. وی می‌گفت: «ما طرفدار ایجاد یک جبهه متحد اسلامی هستیم که به ما امکان دهد از موضع قدرت به سوی هم وطن‌های مسیحی خود دست همکاری دراز کنیم و هم‌زیستی میان مسلمانان و مسیحیان را ممکن سازیم.» او اگر چه در ظاهر رهبر مذهبی شیعیان به شمار می‌رفت ولی در واقع خود را وقف تمام انسان‌های مظلوم نموده بود و با صداقت تمام به همه پیروان ادیان و مذاهب اثبات کرده بود که طرفدار و دلسوز واقعی آنان است. (اباذری، پیشین، ص ۲۸۱).

«معاشرت امام موسی صدر با مسیحیان از همان بدو ورود به لبنان آغاز گردید. اگر شیخ محی‌الدین حسن اولین هم‌پیمان اهل سنت امام صدر در شهر صور بود، «مطران یوسف الخوری» نیز از بدو ورود خود به این شهر، به ایشان پیوست.» (کمالیان و رنجیر کرمانی، پیشین، ص ۱۸).

امام به یک نوع اتحاد و گفت‌وگو بین ادیان الهی اعتقاد داشت و به این سبب از بدو ورود به لبنان، تلاش خود را در جهت ارتباط و گفت‌وگو با گروه‌های سیاسی و مذهبی مسیحیان این کشور آغاز کرد و روز به روز هم بر عمق و وسعت آن افزود. به علاوه، وی روابط خود را با سایر اقشار و توده‌های مسیحی ادامه داد و برخی از افراد برجسته مسیحی را در فعالیت‌های اجتماعی و امور خیریه با خود همراه ساخت. (ر.ک: اباذری، پیشین، ص ۱۱۰). امام موسی صدر «همکاری اسلام و مسیحیت را بر ضد بیدادگری‌های یهود و همچنین الحاد، فساد و خوار کردن انسان‌ها» ضروری می‌دانست و آن را عاملی برای تبلیغ دین در میان بت‌پرستان و کافران به شمار می‌آورد. وی با اشاره به این که «ما از چهارده قرن پیش در مقابل بت‌پرستی با مسیحیان احساس یک‌پارچگی و وحدت می‌کنیم، هم‌چنان که در صدر اسلام مسلمانان به علت پیروزی رومیان مسیحی بر فارس‌های بت‌پرست شادمانی کردند» خواستار گفت‌وگو بین مسلمانان و مسیحیان بود و نه مسیحیت و اسلام، زیرا از نظر وی «گفتمان اسلام و مسیحیت بر پایه این نظریه استوار است که قرآن کریم مسیحیت را به عنوان مرحله‌ای از دین واحد شمرده است.» بنابراین آن‌چه مقبول و مطلوب امام بود گفت‌وگوی مسلمانان با مسیحیان برای تبادل اطلاعات بود. (ر.ک: صدر، پیشین، ص ۲۶۰-۲۶۱).

«امام صدر بر این باور بود که هم‌زیستی مسلمانان و مسیحیان سرمایه و ثروت مهمی است که باید از آن در جهت حل مشکلات و معضلات اجتماعی بهره‌برداری مناسب کرد. او در این جهت به قدری تلاش کرد که از نظر اخلاقی مورد اعتماد محافل مسیحی قرار گرفت. (اباذری، پیشین، ص ۱۱۳). امام در این راستا اقدامات متعددی انجام داد؛ برای مثال، در پیام وی به مناسبت عاشورای سال ۱۹۷۷ م، «صلح» میعادگاه تاریخی و اجتناب‌ناپذیر مسیحیان و مسلمانان دانسته

شده و بر ضرورت نزدیکی میان پیروان اسلام و مسیحیت از لحاظ تاریخی تأکید شده است. به علاوه، برخی سخنرانی‌های او نیز در این راستا است. وی در سخنرانی خود با عنوان «درباره فرقه‌گرایی» (صدر، پیشین، ص ۳۴۷) می‌گوید: «کدام مسیحی روحانی فریاد برآورده که مسلمانان محرومند؟ کدام عالم مسلمان از محرومیت ارمنی‌ها شکایت کرده است؟» که این عبارت، نشان‌دهنده منطق قوی و اعتدالی امام صدر درباره ضرورت گفت‌وگوی بین مسلمانان و مسیحیان می‌باشد.

نویسندگان مسیحی در مقالات خود از فعالیت‌های امام که به دور از تعصبات طایفه‌ای، مذهبی و فرقه‌ای است تقدیر کرده و جنبش او را متعلق به تمامی فرقه‌ها، گروه‌ها و مذاهب و به نفع عموم طبقات محروم لبنان دانستند. (ر.ک: اباذری، پیشین، ص ۱۱۹ و یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۴۰-۴۱).

«بدون تردید تجلیل با شکوه مسیحیان لبنان از امام صدر، که در «۳۰ بهمن ۱۳۵۳» در کلیسای کبوشیه بیروت انجام گرفت، یکی از وقایع تاریخی این کشور است. در این مراسم که تمامی بزرگان مسیحیت از سرتاسر لبنان شرکت داشتند، از امام صدر در بالاترین سطوح سیاسی و مذهبی طایفه مسیحی تقدیر به عمل آمد.» (کمالیان و رنجبر کرمانی، پیشین، ص ۲۰). سخنرانی امام موسی صدر در کلیسای کبوشین بیروت که با عنوان «ادیان در خدمت انسان» ایراد شده است. (ر.ک: صدر، پیشین، ص ۱۳-۲۲). یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین سخنرانی‌های یک عالم مسلمان به شمار می‌آید. این سخنرانی به گونه‌ای ایراد شده است که مخاطب امام هر فرد معتقد و دینداری می‌تواند باشد و شنونده تشخیص نمی‌دهد که سخنران یک عالم و روحانی مسلمان است. موسی صدر در این سخنرانی به «وحدت ادیان» این چنین اشاره می‌کند: «ادیان یکی بودند، زیرا نقطه آغاز همه آنها، یعنی خدا، یکی است و هدف آنها، یعنی انسان، یکی است و بستر تحولات آنها، یعنی جهان هستی، یکی است.» (پیشین، ص ۱۵).

تشکیل اجلاس سالانه علمی با عنوان «گفت‌وگوی دوره‌ای بین اسلام و مسیحیت» از دیگر اقدامات وی جهت ایجاد وحدت میان مسلمانان و مسیحیان، به ویژه در لبنان، بود. (ر.ک: اباذری، پیشین، ص ۱۱۴-۱۱۶). به هرحال، کوشش‌های خستگی‌ناپذیر و صبر و حلم و بردباری امام صدر او را به عنوان «نماد وحدت ادیان» و «پرچم‌دار هم‌زیستی» معرفی نمود و همان طور که پیش از این بیان شد، نماد وحدت ملی نیز بود. خود وی این ویژگی را این چنین ترسیم می‌کند: «... و من فکر نمی‌کنم کسی در لبنان بیش از من پرچم هم‌زیستی تمام ادیان و وحدت ملی را برافراشته نگه داشته باشد. من بیش از آن که خودم باشم، به صورت رمزی برای وحدت ملی شده بودم. لذا از نظر توطئه‌گران می‌بایستی از بین می‌رفت... لذا من رمز وحدت ملی و برادری ادیان توحیدی و پرچم‌دار هم‌زیستی طوایف مختلف در لبنان صلح‌طلب بودم...» (پیشین، ص ۱۱۶-۱۱۷).

۸- فلسطین، نماد وحدت مسلمین

امام موسی صدر در مورد سرنوشت فلسطین دغدغه داشت. وی سرآغاز بهبودی اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... تمام مسلمانان و بی‌ریزی تمدن اسلامی آینده را در حل مسئله فلسطین می‌دانست و در هر محفل و مجلسی که فرصت به دست می‌آورد از فلسطین یاد می‌کرد. او موضوع اشغال فلسطین را تنها یک مسئله اسلامی نمی‌شمرد و سعی می‌کرد آن را بیشتر از دیدگاه فطری و انسانی ارزیابی و بررسی نماید تا در محافل وجدان‌های غیر مسلمانان نیز برای خود جا باز کند. وی می‌گفت: «تلاش برای آزادی فلسطین، تلاش برای آزادی مقدّسات اسلامی و مسیحی و تلاش برای آزادی انسان است. همچنین، این تلاشی است برای جلوگیری از آلوده شدن نام خداوند بر روی زمین، زیرا صهیونیسم با رفتارهای خود نام خداوند را آلوده می‌سازد.» (ر.ک: یازان امام به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۸۴-۸۵).

امام موسی صدر در نامه خود به شیخ خالد مفتی اهل سنت لبنان، مسئله فلسطین را نمادی برای اتحاد قوم عرب و مسلمین دانسته و از آزادی فلسطین به عنوان یک هدف مشترک و عامل وحدت مسلمین یاد می‌کند. وی «لزوم مشارکت فعال در آزادی فلسطین و وظیفه حمایت از نیروهای پایداری مقدس فلسطین» را از جمله هدف‌های میهنی ملت‌های اسلامی و به ویژه لبنان به شمار می‌آورد. (ر.ک: نبادزی، یستین، ص ۱۰۱-۱۰۲).

تلاش امام موسی صدر جهت نزدیک ساختن رؤسای جمهور سوریه و مصر و دولت‌هایشان برای حل بحران لبنان در برابر اسرائیل را باید سندی از مقاومت وی در برابر اسرائیل و اتحاد میان اعراب بر سر این مسئله دانست. هر چند بعداً دسیسه‌های استکبار نتیجه بخشید و باعث اختلاف میان اعراب بر سر مسئله صلح و مقاومت در فلسطین گردید تا جایی که برخی از دولت‌ها از امضا کردن پیمان صلح با رژیم نامشروع صهیونیستی حیا نکردند. حتی شاید رבוده شدن امام موسی صدر نیز با اشاره برخی از این دولت‌های منافق و حيله استکبارگران و دشمنان اسلام به وقوع پیوست. (ر.ک: حجتی کرمانی، یستین، ص ۸۳).

به راه انداختن جنگ‌های داخلی در لبنان نیز جهت ایجاد زمینه برای آغاز نزاعی بود که از طریق آن برای همیشه فلسطینیان را از صحنه سیاسی حذف کنند. «اما امام موسی صدر از این دسیسه‌ها آگاهی کامل داشت و به خوبی می‌دانست که اگر این توطئه‌ها عملی گردند به ضرر همه مسلمانان و جهان اسلام خواهد بود. او با تیزبینی و زیرکی خاص خود همواره سعی داشت فلسطینیان را از این فتنه‌ها دور نگه دارد، به همین خاطر با فداکاری، خودش و مبارزان شیعی را سپر بلای آنان قرار می‌داد و فرصت‌ها را از دست دشمن می‌گرفت. بسیار اتفاق می‌افتاد که درگیری بین مسلمانان و مسیحیان، نخست در منطقه‌ای سنی‌نشین به وقوع می‌پیوست ولی به واسطه همین سیاست (سپر بلا شدن)، فوراً به مناطق شیعه‌نشین انتقال می‌یافت و آن گاه به دست با کفایت وی مسئله حل و فصل می‌شد.

گرچه این فداکاری و ایثار برای شیعیان خیلی گران تمام شد چرا که آنان شهدای زیادی را تقدیم انقلاب فلسطین کردند و خسارت‌های مالی و روانی بسیاری را نیز متحمل شدند.» یازان امام به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۸۳-۸۴. در مسئله فلسطین، امام صدر اتحاد با تمامی دین‌داران را مد نظر داشت، زیرا او از جنبه انسانی و فطری به این مسئله می‌نگریست و بنابراین عقیده فلسطین را باید نماد وحدت

ادیان نیز دانست. سخنان امام موسی صدر در این باره چنین است: «... ما طرفدار یک جبهه متحد اسلامی هستیم که به ما امکان دهد از موضع قدرت به سوی هم‌وطنان مسیحی خود دست همکاری دراز کنیم و هم‌زیستی میان مسلمانان و مسیحیان را کاری ممکن سازیم که اسرائیل اصرار دارد آن را در جهان غیرممکن جلوه دهد و از به وجود آمدن یک فلسطین مستقل که یهودی، مسلمان و مسیحی در کنار هم زندگی کنند، جلوگیری نماید...» (ر.ک: حجتی کرمانی، پیشین، ص ۸۶).

۹- نتیجه

اقدامات و تلاش‌های متعدد و طاقت‌فرسای امام موسی صدر در جهت برقراری اتحاد میان مسلمین و حتی میان ادیان، ناشی از فکر و روح متعالی این مرد الهی است. تفسیر و تبیین منطقی او از وجود اختلافات در تمامی سطوح، از یک طرف و راه‌کار آرمانی‌اش با عنوان «وحدت فقهی» از طرف دیگر، نشانه‌ای از این روح و اندیشه متعالی و جولان‌گر است. نامه پرمحتوا و مفید او به مفتی اهل سنت لبنان، در کنار فعالیت‌هایش جهت برقراری گفت‌وگو بین مسلمانان و مسیحیان سندی روشن بر عدم محدود بودن اندیشه و فکر او در قالب‌های مذهبی، فرقه‌ای و حتی ملی و نیز نشان‌دهنده نهایت حضور او در جبهه حق می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. ابادری، عبدالرحیم، «امام موسی صدر، سروش وحدت»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲. ابادری، عبدالرحیم، «امام موسی صدر امید محرومان»، انتشارات جوانه رشد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۳. حجتی کرمانی، علی، «لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید چمران»، انتشارات قلم، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۴. صدر، امام موسی، «ادیان در خدمات انسانی (جستارهایی درباره دین و مسائل جهان معاصر)»، گروه مترجمان، مؤسسه فرهنگی ... تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵. صدر، امام موسی، «نمای و تنی»، به اهتمام و ترجمه علی حجتی کرمانی، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶. علمی اردبیلی، علی، «زندگی و مبارزات امام موسی صدر و سید محمدباقر صدر»، انتشارات امامت، مشهد، چاپ اول، ۱۳۵۸.
۷. کمالیان، محسن و رنجبر کرمانی، علی‌اکبر، «عزت سیه»، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۸. «یاران امام به روایت اسناد ساواک»، کتاب هفدهم پیرامون امام موسی صدر، سه جلد، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

